



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۰، دوره ۳، شماره، صص ۲۴۷-۲۲۵

بررسی جایگاه مناطق قبیله ای فدرال پاکستان در تثبیت بحران امنیتی منطقه

مریم وریج کاظمی

دانش آموخته دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، گروه جغرافیا، تهران، ایران

mariamverijkazemi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

چکیده

مناطق قبیله ای فدرال پاکستان برای قدرتهای صنعتی فرامنطقه ای یک خلاء موثر امنیتی در مسیر مبادلات تجاری شرق به غرب جهان جهت نظارت بر عملکرد چین و روسیه و کشورهای جنوب شرق آسیا به عنوان غول های تجاری- صنعتی، همچنین کنترل بر ذخایر معدنی و مسیرهای ترانزیت انرژی، شناخته می شود. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی ضمن پاسخ به این پرسش که جایگاه مناطق قبیله ای فدرال پاکستان در گسترش بحران امنیتی در منطقه چگونه ارزیابی می شود به این نتیجه می رسیم که مناطق قبیله ای فدرال به دلیل خلاء های قانونی ناشی از عدم نظارت دولت مرکزی و تام الاختیار بودن روسای قبایل در فرایندهای حقوقی، بستر مساعد برای نگهداری، رشد، پرورش و آموزش گروههای رادیکالیسم اسلامی به عنوان بازوهای فوق العاده موثر قدرتهای صنعتی برای اجرای طرح های اقتصادی-امنیتی ایجاد کرده است، که این موضوع می تواند نامنی و بی ثباتی بوجود آورد و بحران امنیتی در منطقه را گسترش دهد.

کلید واژگان: مناطق قبیله ای فدرال پاکستان، رادیکالیسم اسلامی، استراتژی اقتصادی، افغانستان.

مقدمه

با توجه به اینکه فرمول بازی بعد از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م از نگرش به مفاهیم نظامی به موضوعات اقتصادی تغییر کرده است و مسیرهای تجاری و ایجاد اتحادیه های اقتصادی در اولویت هستند، بدین ترتیب فرصت های اقتصادی - تجاری موجود در سیاستهای قدرتهای صنعتی فصل مشترکی از رقابت را شکل داده است که کشورهای افغانستان و پاکستان را در طرح های امنیتی-اقتصادی قدرتهای منطقه ای و جهانی از جایگاه

Doi: 10.22034/GAHR.2021.274807.1510



شاپا الکترونیکی: ۳۸۵-۲۶۴۵

موثری برخوردار می‌کند. بی‌شک چشم‌پوشی از منافع سیاسی و اقتصادی در پاکستان و افغانستان که نقش کاتالیزور را ایفا می‌کنند، امکانات گسترده‌ای برای نفوذ و دخالت سایر رقبا فراهم می‌سازد تا به مهار یکدیگر بپردازند؛ از این رو تلاش می‌کنند برای ایجاد کانون بحران‌زا در مناطقی از افغانستان و پاکستان که خلاءهای قانونی دارند، یک تهدید دائمی بوجود آورند و از کلیه پتانسیل‌ها و امکانات انسانی این مناطق برای ضربه زدن به منافع رقبا، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کنند. بدین ترتیب تمامی گروه‌های رادیکالی چه در پاکستان و افغانستان و دیگر نقاط جهان در فضای مناطق قبیله‌ای موجودیت پیدا می‌کنند و از آنجا تفکرات رادیکالی خود را با دیگر گروه‌های افراطی عملیاتی می‌سازند. از این رو مناطق قبیله‌ای در حکم وزنه ژئوپلیتیکی در طرح‌های امنیتی-اقتصادی قدرتهای صنعتی قرار می‌گیرد.

مناطق قبیله‌ای فدرال در مرز مشترک پاکستان و افغانستان واقع شده است که شامل بلوچستان، ایالت سرحد شمال غربی و مناطق قبیله‌ای آزاد می‌شود. مناطق قبیله‌ای دارای هفت ناحیه می‌باشد و از نظر استراتژیک جهت ادامه‌ی ناآرامی‌ها در افغانستان، از اهمیت بالایی برای گروه‌های رادیکالی برخوردار است. مناطق قبیله‌ای در میان دو کانون پرتنش بلوچستان و پشتونستان واقع شده است که این دو کانون برای حفظ تعادل استراتژیک قدرتهای غربی در منطقه جنوب آسیا و بخصوص خاور نزدیک بزرگ تاثیر فوق‌العاده‌ای دارند. مناطق قبیله‌ای فدرال به طور گسترده یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان به حساب می‌آید که به طور معمول مغزهای متفکر تروریستی را مورد حمایت همه‌جانبه خود قرار می‌دهد و محل مناسب و امنی را برای گروه‌های افراطی بوجود آورده است.

اگرچه به نظر می‌رسد مناطق قبیله‌ای از وضعیت بحرانی و هرج و مرج سیاسی-حاکمیتی رنج می‌برد اما در کلیت سرنوشت سیاسی این منطقه از فاکتورهای ارائه شده توسط نهادهای امنیتی-اطلاعاتی داخلی و خارجی نشأت می‌گیرد. مناطق قبیله‌ای به عنوان جناح خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی آن عمل می‌نمایند و سرمایه‌گذاری کلانی از لحاظ نظامی و انسانی-ایدئولوژیکی در آنجا انجام شده است. با این تفاسیر این مقاله به بررسی جایگاه مناطق قبیله‌ای فدرال پاکستان در چگونگی تثبیت و گسترش بحران امنیتی در منطقه می‌پردازد.

طرح مساله

شاخصه‌های امنیتی منطقه جنوب آسیا و خاور نزدیک بزرگ با حضور مراکز آموزشی افراط‌گرایان اسلامی مستقر در مناطق قبیله‌ای که از وزن ژئوپلیتیکی موثری برای ایجاد بحران‌های جهانی برخوردارند، باعث شده تا کنترل شرایط سیاسی-اقتصادی-اجتماعی مناطق قبیله‌ای پاکستان با نوسانات شدید همراه باشند و مشکلات بنیادی را بوجود آورند. مناطق قبیله‌ای فدرال پاکستان به عنوان کانون مرکزی یا هارتلند بنیادگرایی اسلامی که برنامه‌های باز شکل دهی رادیکالیسم را تدوین و از کشمکش‌های ژئوپلیتیکی محلی-منطقه‌ای حمایت

¹- Federally Administered Tribal Areas (FATA)

گسترده ای می کند، تحت تاثیر رقابت های قدرتهای صنعتی قرار دارند و چنین وضعیتی مانعی برای توسعه اقتصادی و گسترش ناامنی و بحران منطقه ای خواهد بود.

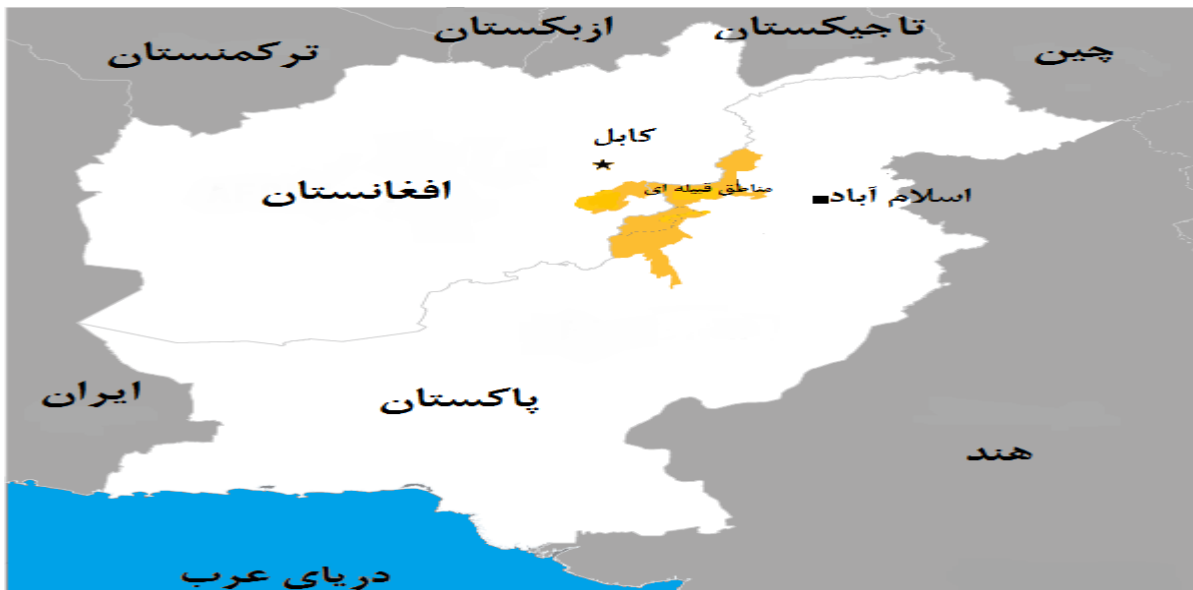
در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی ضمن پاسخ به این پرسش که جایگاه مناطق قبیله ای فدرال پاکستان در گسترش بحران امنیتی در منطقه چگونه ارزیابی می شود به این نتیجه می رسیم که مناطق قبیله ای فدرال به دلیل خلاء های قانونی ناشی از عدم نظارت دولت مرکزی و تام الاختیار بودن روسای قبایل در فرایندهای حقوقی نواحی قبیله ای، بستر مساعد برای نگهداری، رشد، پرورش و آموزش گروههای افراطی اسلامی به عنوان بازوهای فوق العاده موثر در اجرای استراتژی اقتصادی-امنیتی قدرتهای صنعتی ایجاد کرده، که این موضوع می تواند بحران امنیتی در منطقه را گسترش دهد.

روش تحقیق

این مقاله به روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع معتبر علمی و پژوهشی دانشگاهی، همچنین استفاده از یادداشتهای تحلیلی آژانس های خبری معتبر، به بررسی جایگاه مناطق قبیله ای فدرال پاکستان در تشدید ناامنی های منطقه ای می پردازد.

مبانی نظری

مناطق قبیله ای فدرال پاکستان (نقشه شماره ۱) دارای هفت ناحیه قبیله ای به عنوان پایتخت سیاسی رادیکالیست ها و محل امن تروریست ها شناخته می شود که از سمت شمال غرب با افغانستان دارای مرز مشترک ۲۵۶۰ کیلومتری است و قانونی برای آشوبگران در بی ثبات ترین استان های افغانستان که در نزدیکی مرز واقع شده اند بوجود آورده است (شفیعی، محمودی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).



نقشه شماره (۱)

پاکستان وضعیت ویژه مناطق قبیله ای را از امپراتوری استعماری بریتانیا در سال ۱۹۴۷م به ارث برد و این منطقه هنوز تحت مقررات مربوط به جرائم سرحدی (مرزی)^۱ در دوران انگلیس اداره می شود، که تفاوت قابل توجهی با سیستم حقوقی اعمال شده برای سایر کشورها دارد. پس از فتح پنجاب در سال ۱۸۴۸م، انگلیسی ها با قبایل پشتون روبرو شدند که معروف به مردمانی سخت و مقاوم در برابر حکومت سیک ها و مسیحیان بودند. با این حال امیر افغانستان به همراه سیک ها و انگلیس ها فقط حوزه های نفوذ را در سرزمین های مرزی کوهستانی می خواستند. در سال ۱۸۴۹م به بعد، در جریان پیشرفت ها در هزاره، درجات و یوسف زی، انگلیسی ها اعتقاد داشتند که علاقه مند به نفوذ در منطقه فراتر از آن نواحی که خط دیورند را بعدها مشخص می کردند، نیستند. از این رو مناطق قبیله ای این امتیاز را داشتند که تصمیم بگیرند استقلال خود را حفظ کنند یا با کابل بیعت نمایند (Kolsky, 2020: 1-36).

مناطق قبایلی همان هفت ناحیه ای است که در اطراف خط دیورند واقع شده اند. منطقه ی وزیرستان شمالی به مرکزیت «میران شاه» و وزیرستان جنوبی به مرکزیت «وانا» و مناطق باجور، مهمند، خیبر، اورکزئی و کورم، هفت منطقه مهم در خط مرزی دیورند هستند که ۶۰۰ کیلومتر مرز با افغانستان دارند. وزیرستان که منطقه قبیله ای و خودمختار در پاکستان و با افغانستان هم مرز است، پناهگاه اصلی نیروهای طالبان و القاعده است. این منطقه ی مرزی ناهموار و پست و بلند جایی است که قبیله های پشتون در جامعه ای بسته، در آن زندگی می کنند و تقریباً مانند کشوری مستقل از آداب، رسوم و سنن خود تبعیت می کنند. این منطقه در ناحیه ای به وسعت ۱۵۰۰ مایل که از بیابان های بلوچستان در جنوب شروع شده و تا کوه های هندوکش در شمال ادامه دارد، گسترده شده است. هنگامی که طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ م در پی حمله ی عملیات آزادی پایدار، کنترل و سیطره ی خود بر افغانستان را از دست دادند، به مناطق قبیله ای پاکستان، یعنی جایی که در ابتدا از آنجا و به وسیله ی سرویس امنیتی آی.اس.آی و ارتش پاکستان، به پا خواسته بودند، پناه آوردند. به نظر می رسد ویژگی های مناطق قبایلی آزاد و ایالت بلوچستان به لحاظ فیزیکی، اقلیمی، از عوامل احیای طالبان بوده است. مناطق قبیله ای پاکستان نه تنها برای صلح و ثبات کشور مهم است بلکه برای منافع ایالات متحده امریکا در منطقه و به طور گسترده تر، منافع سایر قدرتهای منطقه ای شرق و غرب نیز حیاتی است. علاوه بر ایالات متحده امریکا و متحدان غربی آن، چین نگرانی شدید از تهدید ناشی از مناطق قبیله ای که شبه نظامیان از آنجا به عنوان پناهگاه امن استفاده می کنند، دارد. چین همچنین ناراحتی خود را نسبت به حضور و نفوذ ستیزه جویان اویغور در مناطق قبیله ای ابراز داشته است (Lin, 2012). نگرانی چین بیشتر به منافع اقتصادی این کشور در ارتباط با پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان^۲ و سهم میلیاردی پاکستان از آن مربوط است. پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان بزرگترین پروژه اقتصادی جنوب آسیا مرتبط با طرح یک کمربند-یک راه چین است و از اهمیت فوق العاده بالایی برخوردار است. از این رو چنین مسیر اقتصادی بسیار وابسته به صلح و امنیت

¹⁻ The Frontier Crimes Regulations (FCR)

¹⁻ Inter-Services Intelligence (ISI)

²⁻ China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

می باشد که رقابت های ژئوپلیتیکی را برای قدرتهای غرب و شرق بوجود آورده و هر دولتی سعی در اجرای استراتژی اقتصادی-تجاری خود در این منطقه با استفاده از گروههای رادیکالیست اسلامی دارد.

یافته های تحقیق

موقعیت جغرافیایی مناطق قبیله ای فدرال

مناطق قبیله ای فدرال حدوداً ۲۷۰۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد که جمعیت آن بیش از ۱/۳ میلیون نفر برآورد شده است، ولی بیش از چهل میلیون پشتون در دو طرف خط مرزی دیورند زندگی می کنند و تعداد کمی نیز از اقلیت های مذهبی، هندوها و سیک ها در برخی از ایجنسی های قبیله ای ساکن هستند. از نظر جغرافیایی، منطقه قبیله ای محصور در کوههای هندوکش، دامنه های پامیر و کوه های قرا قروم است و در حاشیه دو سیستم بزرگ اقلیمی، موسمی از شرق و دریای مدیترانه به سمت غرب واقع شده است. اگرچه برخی مناطق در ایجنسی های کروم و اورکزئی در منطقه مرطوب و نیمه مرطوب قرار دارند اما بیشتر قسمت های مناطق قبیله ای خشک و نیمه خشک و دارای تابستان های گرم و زمستان های سرد است. رودخانه های مثل کروم از شمال غربی به جنوب شرقی جریان دارد و با ورود به وزیرستان شمالی در منطقه خیبر به رودخانه ایندوس (سند) می پیوندد. رودخانه های خانکی و مستورا در شرق به هم می پیوندد تا به رودخانه بارا بریزند. این رود در شهرهای بارا و خواجووری دشت آبرفتی را شکل می دهند که از آنجا رودخانه بارا و شاخه های آن به رود کابل در نزدیکی پیشاور می پیوندد. دره های بارور، بارکی، کرانکی، وانا و ماستورا دارای سطح زیر کشت فراوان محصولات کشاورزی هستند به عنوان مثال وانا بهترین و بزرگترین منطقه تولید سیب درختی در پاکستان است.

با این حال فرصت های معیشت اندکی در مناطق قبیله ای وجود دارد. ۵۰٪ از جمعیت مناطق قبیله ای در زیر فقر زندگی می کنند. در جاهایی که زمین های مسطح و دشتی وجود دارد، مردم درگیر کشاورزی و دامداری یا ایجاد مشاغل خود در مناطق شهری هستند، همینطور در مشاغل محلی مانند پارچه بافی، کالاها و تجارت دامداری محلی مشغولند. تعداد زیادی از افراد محلی در بخش حمل و نقل و تجارت چوب فعالیت دارند. برخی تجارت در مقیاس کوچک را در سطح محلی انجام می دهند و برخی دیگر مشغول تجارت با بازارهای کشور یا همسایگان افغانستان هستند. تجارت مرزی با افغانستان بیشتر تحت نظر حوزه های نسبتاً مرفه جامعه قرار دارند. زنان هم علاوه بر حضور در کارهای خانه و وظایف خانوادگی، در فعالیت های کشاورزی مشارکت فعال دارند. بسیاری به دنبال کار به عنوان کارگرانی با مهارت مبتدی هستند. برخی از افراد بومی به نیروهای محلی و نیروهای شبه نظامی خدمت می کنند. تعداد دیگر از ساکنان در شهرهای پاکستان یا خارج از کشور، به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، امکانات و فرصتهای خود را پیدا کنند و درآمد خود را از طریق ارسال حواله برای خانواده هایشان می فرستند. افراد باتجربه تر در بسیاری از موارد بطور دائم همراه با خانواده خود به مراکز شهری در خارج از مناطق قبیله ای، از جمله بانو، درا اسماعیل خان و پیشاور مهاجرت کرده اند.

در مناطق قبیله ای بلایای طبیعی با فاجعه انسانی آمیخته شده است، البته هیچ سیستم مناسب برای ثبت تأثیر بلایای طبیعی و اضطراری وجود ندارد. بلایای طبیعی منطقه شامل سیل، زلزله، خشکسالی، حمله آفات و همه گیری ها است. سیل و درگیری همه بخش های زندگی از جمله دام، آبیاری، بهداشت، آموزش، جاده های جنگلی، پل ها و ارتباطات را تحت تأثیر قرار داده است.

نزدیک به ۶۴ درصد از کل خانه ها از آجرهای گلی، کاه گل، چوب یا بامبو ساخته شده اند در حالی که خانه های پوکا (دائمی، سیمانی) فقط ۳۶،۷۳ درصد از کل را تشکیل می دهند. کمتر از ۶۲٪ خانه ها دارای برق هستند. سوخت برای پخت و پز در درجه اول به صورت چوب آتش است: ۹۲٪ از کل خانوارها از چوب برای پخت و پز استفاده می کنند و به سختی ۲٪ از آنها به گاز طبیعی دسترسی دارند. آب آشامیدنی از خطوط لوله مستقیماً از طریق اتصالات داخلی یا خارج از منزل، به کمتر از ۲۰٪ خانوارها تأمین می شود. کاملاً واضح است که ساختار مستعد در صورت وقوع زلزله مستقیماً تحت تأثیر قرار می گیرد و منجر به تلفات و خسارات اقتصادی خواهد شد (*reliefweb.int*). منطقه خیبر یکی از بدترین سیل های تاریخ خود را تجربه کرد که منجر به تخریب زیاد زیرساخت ها و جابجایی جمعیت شد (*Kurosaki, 2011: 79*). از سوی دیگر درگیری های داخلی بین قبایل مختلف یکی دیگر از علت های تنش در منطقه است. با این تفاسیر مناطق قبیله ای به طور کلی یک مقصد برای جلب گردشگر محسوب نمی شوند (*wikitravel.org*).

در مناطق قبیله ای بحران باعث ایجاد اختلال در شرایط عادی اقتصادی و زندگی می شوند و در عین حال ساختارهای اجتماعی (از جمله خانواده) که هنجارهای اجتماعی را پشت سر می گذارد را مختل می سازند. وزارت امور خارجه آمریکا در نظر دارد سازمان های غیردولتی، داوطلبان و رسانه ها را به عنوان شرکای بسیار مهم در این کارزارها درگیر کند و افرادی را که می توانند الهام بخش باشند را شناسایی نماید (*Sumbal, 2018: 1*). از این رو وزارت دفاع آمریکا برای کاهش شکاف جنسیتی در بخش آموزشی در نظر دارد در آنجا دبیرخانه تاسیس کند. بی شک ارائه خدمات دولتی به شهروندان مناطق قبیله ای اهمیت دارد و بر نگرش سیاسی آنها در مورد وضعیت آینده منطقه تأثیر می گذارد (*Jhagra, 2017*). با این حال تصویر کلی سازمان های مردم نهاد در پاکستان خصوصاً در مناطق قبیله ای روستایی بسیار مثبت نیست و با بسیاری از برداشت های غلط و بحران زده، به ویژه آنهایی که برای حقوق زنان کار می کنند، همراه است (*Noor, 2010*).

مرز دیورند و تدوام مناقشات در مناطق قبیله ای

مناطق قبیله ای تحت کنترل فدرال پاکستان در مرز شمال غربی این کشور و در امتداد مرز تفکیک پاکستان و افغانستان معروف به خط دیورند واقع شده است. این خط به طول ۱۵۰۰ مایل، توسط حاکمان انگلیسی بریتانیا در سال ۱۸۹۳م ترسیم شده (نقشه شماره ۲) و به نام سر هنری مورتیمر دیورند؛ دیپلمات انگلیسی نامگذاری شده است. در سال ۱۹۴۷م، خط دیورند سرانجام کشور تازه استقلال یافته پاکستان را از افغانستان جدا کرد.

¹- Henry Mortimer Durand

این خط برای پاکستان یک مرز بین المللی شناخته می شود با این حال، افغانستان با بیان اینکه این امر توسط انگلیسی ها به امیر کابل، عبد الرحمن خان تحمیل شده است، خط دیورند را به عنوان مرز بین المللی خود به رسمیت نمی شناسند. منطقه قبیله ای نیمه خودمختار که در شمال غربی پاکستان واقع شده از شرق و جنوب توسط خیبر پختونخوا و بلوچستان احاطه شده است، در حالی که همسایگان مناطق قبیله ای در غرب و شمال استان های کنر، ننگرهار، پکتیا، خوست و پکتیکا افغانستان در طول خط دیورند قرار دارند. تراکم جمعیت در مناطق قبیله ای ۶۳ نفر در هر کیلومتر مربع است. از نظر جغرافیایی تمام مناطق قبیله ای به شکل هلالی در امتداد مرز افغانستان واقع شده اند. به دلیل جغرافیای خاص آن، حتی اجماع نظر در مورد کلیت سرمایه گذاری اقتصادی ممکن است دشواری های را به وجود آورد.



نقشه شماره (۲)

با این حال تعداد زیادی از ساکنان مناطق قبیله ای خواهان تشکیل یک استان مستقل هستند و می خواهند زندگی خود را مطابق با فرهنگ، آداب و رسوم و سنن خود مدیریت کنند که البته آنها به پلیس، دادگاه ها و سیستم های مدرن گرایش ندارند (Lal, Mansoor, 2016). با توجه به روابط تنگاتنگ تاریخی پاکستان با افغانستان و نگرانی های گذشته در مورد مسئله پشتونستان (سرزمین پشتون با ترکیب پاکستان و مناطق پشتون افغانستان)، انتظار می رود استقلال و ادغام مناطق قبیله ای با استان پختونخوا ترسهایی را در ذهن متفکران استراتژیک پاکستان تحمیل کند زیرا این کشور مرز مورد بحث را در سیستم رسمی حقوقی و سیاسی پاکستان ادغام خواهد کرد. این ادغام باید مسئله خط دیورند را یک بار و برای همیشه حل کند (Firdous, 2017).

هفت منطقه قبیله ای

² Khyber Pakhtunkhwa (KP)

مناطق قبیله ای فدرال به طور اداری به هفت ناحیه قبیله ای تقسیم می شود که هر یک دارای مقرهای اداری مختلف هستند که به کارگزاری های قبیله ای موسومند (نقشه شماره ۳). در راس هر منطقه قبیله ای، یک کارگزار سیاسی که نماینده مستقیم رئیس جمهور است قرار دارد. منطقه قبیله ای تحت نظارت فدرال که بخشی از پاکستان است، نحوه مدیریت و سیاست آن با سایر مناطق کشور کاملاً متفاوت است.



نقشه شماره (۳)

در قرن نوزدهم، دولت بریتانیا مجموعه خاصی از مقررات را با عنوان مقررات جرائم مرزی معرفی و به اجرا گذاشت. پس از استقلال، پاکستان همچنان با همان آیین نامه بر این منطقه نظارت می کند (Ullah, 2013: 65-94). مناطق قبیله ای هفت گانه عبارتند از:

- باجور: مرکز این منطقه شهر خار است و چهار قبیله بزرگ عثمان خیل، ترکانی، ماموند و سالارزئی در این ناحیه سکونت دارند. طالبان محلی این منطقه به رهبری مولوی فقیر محمد به فعالیت علیه دولت مرکزی و امریکا مشغولند. باجور با ۶۰۰ هزار نفر پرجمعیت ترین منطقه قبیله ای است.
- مهمند: مرکز این منطقه شهر مهمند است و قبایل زیادی از جمله مهمند، فموسی خیل، تازک زئی، صافی، حلیم زئی، مورچه خیل، غورباز، میروخیل در این منطقه به سر می برند. گروه طالبان محلی مولوی عمر خالد در این ناحیه فعال هستند.
- خیبر: مرکز منطقه قبیله ای خیبر ناحیه بارا است. گروه های طالبانی انصار الاسلام و لشکر اسلام (به رهبری منگال باغ) در این منطقه فعالیت دارند. قبایل جمرو، بارا، ملاغوری و قبایل آفریدی در دره تیرا به عنوان ماهرترین قبایل در صنعت اسلحه سازی به سبک سنتی در این منطقه سکونت دارند. در این منطقه بیش از دو هزار نیروی مرزبانی مستقر هستند.

- اورکزئی: مرکز این منطقه ناحیه کالایا است. قبایل ساکن در آن عبارتند از: اورکزئی، موسی زئی، علی خیل، مولاخیل، میشتی، شیخان، ب لند خیل و اسماعیل زئی؛ قاری ضیاءالدین در دوره آدم خیل رهبری طالبان محلی این منطقه را بر عهده دارد.
- کرم ایجنسی: این منطقه به مرکزیت پاراچنار دارای سه هزار نیروی مرزبانی و چهل درصد جمعیت شیعه است. قبایل این منطقه شامل دو قبیله توری و بنگش است و برخلاف سایر پشتون ها، شیعه مذهب هستند. مراکز تجمع شیعیان پشتون در این منطقه شهرهای پاراچنار، کوهات و هنگو است. به دلیل حضور شیعیان در این ناحیه طالبان بومی فعالیت چندانی در آنجا ندارد.
- وزیرستان شمالی: مرکز این منطقه میران شاه است و در حدود سه هزار نیروی مرزبانی در آنجا مستقر هستند. قبایل عثمان زئی وزیر، داور، غورباز، خارسین، سیدگئی و محسودهای ملاکشی در این منطقه ساکنند. طالبان محلی در این منطقه به رهبری حافظ گل بهار و قاری شکیب فعالیت دارند. طالبان تحت امر گل بهادر و مولوی نذیر عمدتاً در خاک افغانستان نیز به عملیات می پردازند.
- وزیرستان جنوبی: مرکز آن وانا و جنجالی ترین منطقه طالبان خیز در پاکستان و وسیع ترین منطقه قبایلی این منطقه محسوب می شود. قبایل ساکن در آن شامل وزیر، محسودها و دوتاری هاست. طالبان این منطقه طیف وسیعی از عقبه طالبان افغان از جمله جلال الدین حقانی و طالبان پاکستانی از جمله حکیم الله محسود، قاری حسین و عبدالولی را شامل می شوند (علی پور و سیاح، ۱۳۹۵: ۵۴).

بنیادگرایی در مناطق قبیله ای

طبق ماده ۲۴۷ قانون اساسی پاکستان، در منطقه قبیله ای قوانین عادی و صلاحیت دیوان عالی کشور حکمفرما نیست، بلکه یک سیستم اداری و حاکمیت ترکیبی است که تحت صلاحیت مشترک جوامع قبیله ای از طریق شوراهای قبیله ای (جرگه) فعالیت می کند. پس از به دست گرفتن مدیریت منطقه قبیله ای در سال ۱۸۴۹م توسط انگلیسی ها، آنها با روسای قبایل پیوندهای ایجاد کردند. آنها سیستمی را برای اجرای غیرمستقیم دستورات خود تحت نظارت یک عامل سیاسی که مسئولیت استانهای مرزی شمال غربی را بر عهده دارد، ایجاد کردند. پول و سلطه انگلیسی ها یک قانونی را ایجاد کرد که نشان می داد مناطق قبیله ای بخشی از هند بریتانیا نیست. انگلیسی ها با ایجاد این تمایز اعلام کردند که مناطق قبیله ای به طرز جداگانه از سایر مناطق هندوستان که به تدریج به دولت دموکراتیک مسئول معرفی می شوند، اداره می شوند.

پس از استقلال پاکستان، محمد علی جناح به ساکنان مناطق قبیله ای قول داد که منطقه آنها تحت سیستم سنتی اداره خواهد شد و بدون مشورت آنها هیچ تغییری در مناطق قبیله ای بوجود نیاید، وی همچنین دستور عقب نشینی به واحدهای نظامی را از مناطق قبیله ای که قبل از سال ۱۹۴۸م مستقر شده بودند، داد. ایجاد این سرزمین که به طور جداگانه اداره می شود، خارج از تصورات قانون اساسی پاکستان بود که منجر به استفاده از آن به عنوان پناهگاه تروریست ها و بنیادگرایان اسلامی شد که در جریان جنگ اول کشمیر بین هند و پاکستان در

سال ۱۹۴۷م مستقر شدند. بعداً این قبایل توسط جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان به نیروهای رادیکالی تبدیل شدند. بسیاری از آنها علیه رژیم کمونیستی افغانستان جنگیدند و هنگامی که دولت رئیس جمهور نجیب اله را در سال ۱۹۹۶م حذف شد، به طالبان پیوستند و بلافاصله پس از آنکه طالبان قدرت را در افغانستان به دست آورد، دولت خود را تشکیل دادند. پس از حمله یازده سپتامبر به افغانستان، طالبان افغانستان و سایر مبارزان آسیای مرکزی در مناطق قبیله ای مستقر شدند، که منجر به تغییر پیکربندی آن به ساختار رادیکالیسم و جرم و جنایت شد و تهدیدی برای امنیت بین المللی بوجود آورد.

ورود ارتش به مناطق قبیله ای توسط ژنرال مشرف در سال ۲۰۰۳م سیستم مدیریت را به کلی مختل کرد. این اقدامات بیش از هر موضوع دیگری باعث افزایش افراط گرایی در مناطق قبیله ای شد. پیش از این در دهه ۸۰ م بودجه عظیم عربستان سعودی برای ایجاد مدارس جدید در مناطق قبیله ای تأمین می شد. ژنرال ضیاءالحق رئیس جمهور پاکستان به سرعت سیستم اسلامگرایانه پاکستان را به سمت سیستم اسلامیزه شدن کشاند و از این جریان استقبال کرد و همچنین جماعت علمای اسلامی و دیوبندی ها و رهبران آن در مناطق قبیله ای را به رادیکال کردن مردم تشویق کرد، این اقدامات منجر به دگرگونی قبایل، که طبق قوانین عرفی خود ساکن بودند، شد. پس از آغاز عملیات نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده امریکا به زیرساخت های القاعده و طالبان در افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱م، مرکز ثقل تروریسم جهانی از افغانستان به مناطق قبیله ای پاکستان منتقل شد (Aziz, 2015:30). طولی نکشید که تندروها در سال ۲۰۰۳م استقرار ارتش پاکستان در مناطق قبیله ای را به چالش کشیدند. تا سال ۲۰۰۴م نبردهای جدی بین ارتش و قبایل انجام گرفت که با القاعده و طالبان افغانستان و همچنین پاکستان پیوند برقرار کرده بودند. فشارهای سیاسی آمریکا بر پاکستان برای انجام اقدامات پیشگیرانه محکم در رابطه با عملیات پهپادها و یورش نیروهای ویژه در مناطق قبیله ای، از تصرف بخش هایی از قلمرو پاکستان توسط تندروها در سال ۲۰۰۷م جلوگیری کرد اما این یک راه حل کوتاه مدت بود. روایتی خلاف واقع که مورد استفاده بسیاری قرار دارد، معتقد است اگر مناطق قبیله ای جذب جریان اصلی سیستم پاکستان شود از معضلات آن کاسته خواهد شد. طرفداران این دیدگاه استدلال می کنند که شاخص های ضعیف توسعه مناطق قبیله ای عامل اصلی رادیکالیسم و گسترش آن در سایر نقاط کشور است.

در پاکستان، این منطقه به عنوان منطقه شکار برای رهبران القاعده ظاهر شد چراکه با انتخاب گروههای جدید در مناطق قبیله ای و استان مرزی شمال غربی آن، تهدید القاعده گسترش می دادند. تهدیدی که توسط طالبان افغانستان ایجاد شد با افزودن طیف جدیدی از بازیگران به ویژه طالبان پاکستان همراه است و تا زمانی که محاصره تروریستی در مرز افغانستان و پاکستان پاکسازی نشود، تهدید برای افغانستان و سرزمین اصلی پاکستان ادامه خواهد یافت. در حالی که زمین ناهموار منطقه پوشش مناسبی را برای طالبان افغانستان فراهم می کند و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قدیمی قبیله در مناطق قبیله ای طالبان سازی را سازماندهی می کند (Rashid, 2010, 93).

با همکاری گروه های تهدید چندگانه، چه خارجی و چه پاکستانی، القاعده کارزار جهادی جهانی خود را از مناطق قبیله ای هدایت می کند. پس از عزل القاعده از پایگاه سنتی افغانستان در اوایل سال ۲۰۰۲م، این گروه به دلیل این که پناهگاه امن در مناطق قبیله ای تحت کنترل فدرال پاکستان پیدا کرد توانست دوباره فعالیت کند. در حالی که جنگ در عراق الهام بخش جهادی ها در سراسر جهان است، مناطق قبیله ای به عنوان مرکز اصلی برای برنامه ریزی و آماده سازی عملیات برای حمله به ایالات متحده امریکا و همچنین متحدان و دوستانش پدید آمده است. از سوی دیگر اعضای دیگر گروه های افراطی اسلامی آفریقای شمالی، مانند گروه القاعده مصر، گروه مبارزات اسلامی تونس و شبه نظامیان الجزایر به سرپرستی ابونسیم التنسی و ابوسلیمان الجزیری در پیشاور و مناطق قبیله ای پاکستان مستقر شدند.

برای ده ها سال پاکستان در تلاش برای توسعه «عمق استراتژیک» خود در افغانستان بود، همانطور که در تلاش است تا پایه و اساس ناسیونالیسم خود را فراتر از مخالفتش با هند معرفی کند، از نگاه ضد هندی به افغانستان نگریسته است. نهادهای امنیتی پاکستان امیدوارند که در صورت درگیری با هند بتوانند از افغانستان به عنوان حیاط خلوت خود استفاده نمایند در نتیجه از مناطق قبیله ای به عنوان یک زمین بازی استراتژیک یاد می شود و پشتون ها را مجبور به پرداخت هزینه سنگین می کند. از نظر کارشناسان، با توجه به بی عدالتی هایی که علیه پشتون ها صورت گرفته، تأثیر نظامی شدن مناطق قبیله ای بر منافع هندی ها در افغانستان و تروریسم بین المللی اجتناب ناپذیر خواهد بود (Jamal, 2018).

وضعیت حقوقی در مناطق قبیله ای

قانون اساسی پاکستان اداره مناطق قبایلی را بر اساس «قوانین جزائی سرحد» که از ۱۹۰۱م و توسط بریتانیا وضع شده بود به رسمیت شناخته است. حاکمان استعماری انگلیس به دنبال کنترل مناطق فدرال قبیله ای و مردم آن از طریق حاکمیت غیرمستقیم بودند و از مناطق قبیله ای به عنوان یک منطقه مهم و حائل در برابر توسعه طلبی روسیه در منطقه استفاده کردند. بنابراین، به جای گسترش سیستم اداری خدمات ملکی هند، انگلیسی ها از طریق سیستم حقوقی موسوم به قوانین جزائی سرحد نوعی نیمه تمامیت اقتصادی را به قبایل پشتون اعطاء و نمایندگان سیاسی را منصوب کردند که با بزرگان قبایل محلی همکاری نمایند. بریتانیا به همکاری با نیروهای شبه نظامی قبیله ای به نام اعمال مالیات به منظور استقرار صلح، متکی بود و قانون جزایی سرحد با هدف کنترل قبایل محلی با رویکردی هویج و چماق انجام می شد. در ازای تعهدات بنیانگذار پاکستان، محمد علی جناح مبنی بر اینکه دولت مستقیماً در امور مناطق قبیله ای دخالت نخواهد کرد، قبایل پشتون واقع در منطقه فدرال علیرغم مخالفت برخی پشتون ها، موافقت خود را به الحاق به دولت جدید اعلام کردند (Hasanat, 2011: 148). پاکستان با سیستم اداری جداگانه قوانین سرحد و پرداخت کمک هزینه ها برای مناطق فدرال نظارت و کنترل خود را ادامه داد. این منطقه نسبت به سایر قلمرو پاکستان منزوی تر است و از معضلات عمده سیاست داخلی و خارجی پاکستان محسوب می شود (Kurosaki, 2011: 79).

¹⁻ The Frontier Crimes Regulations (FCR)

در قانون تنظیم جرائم مرزی جرگه قبیله پشتون یا شورای بزرگان و عرف در آن گنجانده شد. کارکردهای مهم این قانون حفظ نظم و همچنین حل اختلافات درون یک قبیله بود. این امر به قبایل اجازه می داد تا درجه خاصی از خود مدیریتی را همراه با نظارت و کنترل بر مناطق فدرال انجام دهند. با این حال، قانون جزایی سرحد هرگز طرحی عادلانه یا منصفانه شناخته نشده است. چندین بخش از این آیین نامه شامل مقرراتی است که به نقض حقوق این قانون می پردازد چراکه ساکنان فاقد حقوق اساسی همانند سایر شهروندان پاکستانی هستند (Shah, 2018). ساکنان مناطق قبیله ای حق نمایندگی قانونی ندارند و از فرصت تجدید نظر در هر دادگاه حقوقی در کشور محروم هستند. در بند ۴۰ قانون سرحدی، دادگاه حقوقی این قدرت را دارد که ساکنان قبایل را به صورت مقدماتی زندانی کند، اگر معتقد باشد که این امر از قتل یا اغتشاش و درگیری جلوگیری خواهد کرد.

براساس قانون اساسی، مناطق قبیله ای اگرچه نمایندگی در مجلس ملی و سنا دارد اما همچنان تحت نظارت مستقیم رئیس جمهور (طبق مواد ۵۱، ۵۹ و ۲۴۷) قرار گرفته اند. در پارلمان پاکستان دوازده عضو مجمع نماینده مردم مناطق قبیله ای در مجلس ملی و هشت نفر دیگر به طور غیر مستقیم به مجلس سنا پاکستان انتخاب می شوند. این اعضا از مناطق قبیله ای پارلمان می توانند در کلیه دادرسی های مجلس شرکت کنند و در مورد هر مسأله و هر بخشی از پاکستان به جز منطقه محل اقامتشان رأی دهند. علاوه بر این، قوانین و اعمال پارلمان ملی در مورد مناطق قبیله ای اعمال نمی شود مگر اینکه رئیس جمهور پاکستان بطور خاص خواستار گسترش آنها در مناطق قبیله ای باشد (Anis, 2016). بی شک این قانون اعتبار خود را از ده ها سال گذشته تا کنون از دست داده است، اما دولت هنوز کار منطقی برای مردم مناطق قبیله ای و پیشرفت آنجا انجام نداده است.

به اعتقادی کاربرد قانون جزایی سرحد تخریب حقوق بشر و قانون اساسی پاکستان است. دادگاه های شریعت فدرال احکام صریح و روشن علیه آن صادر کرده اند و پیشنهاد می دهند که این قانون را لغو کنند. از سوی دیگر ساکنان مناطق قبیله ای می خواهند تغییراتی در آن بوجود آورند. البته برخی از ذینفعان می خواهند سیستم موجود را به نام ارزشهای سنتی حفظ کنند با این حال حاکمیت استانی و توزیع نابرابر منابع همچنان مشکل اساسی بین دولت فدرال و دولت باقی مانده است (Zulfqar, 2012: 146) اعطای امتیازات به قبایل مانند معافیت از مالیات و پاسخگویی به دادگستری و پلیس داده شد، اما در عوض مسئولیت جمعی برای حفظ قانون به هر یک از نواحی قبیله ای سپرده شد. نظم در منطقه بر اساس روشهای خودسرانه اجرا می شود بطوریکه حتی ادعای جنایتی که توسط یک قبیله انجام می شد، می تواند نه تنها آن خانواده بلکه برای کل قبیله و شهر ویران کننده باشد. از این رو کل دهکده ها و خانه ها تخریب و اموال مصادره شده و هیچگونه جبرانی برای خسارت انجام نمی شود (Zulfqar, 2017).

طبق قانون اساسی ۱۹۷۳م پاکستان، فقط مواد ۲۴۶ و ۲۴۷ به طور مستقیم با امور مناطق قبیله سر و کار دارد و قوانین سرحد به یک نماینده سیاسی (در نواحی قبیله ای) یا معاونان (در مناطق مرزی) اجازه می دهد تا

سرپرستی اداره محلی مناطق قبیلہ ای یا منطقہ مرزی را بر عہدہ بگیرند۔ این نمایندہ سیاسی یک مدیر ارشد است کہ بہ عنوان رئیس اجرایی ایجنسی فعالیت می کند و دارای عملکردهای اجرایی، قضایی و اداری می باشد (Mishra, 2012: 2)۔

در سال ۲۰۰۲م دولت نظامی پرویز مشرف، دبیرخانہ جدید مناطق قبیلہ ای را در پیشاور تأسیس کرد کہ بہ عنوان مقر کلیہ امور قبیلہ ای فعالیت می کند۔ نظارت بر بخش های مختلف دبیرخانہ توسط یک کارمند ارشد دولتی بہ ہمراہ دبیرکل و چہار منشی و تعدادی از مدیران محلی بر عہدہ دارند۔ کارگزاران سیاسی (ایالتی ها، یک مقام رسمی) بہ عنوان سرپرستان ہر منطقہ قبیلہ ای، بہ کمک معاونین سیاسی و سایر کارمندان ادارہ می شوند۔ این نمایندگان از نخبگان اداری پاکستان یا کادر مجرب استانی تشکیل می شوند۔ آژانس امنیت بین الملل مستقر در مناطق قبیلہ ای از قدرت موثری برای دستگیری و محاکمہ افراد بزہکار کہ معیارهای معمول را رعایت نکنند برخوردار است۔ دادگاہ عالی ہمچنین اختیارات اجرایی، قضایی دارد و برپایی قانون و نظم و کارکردهای پلیس توسط کارمندان قبیلہ تحت فرمان و کنترل نهادہای عالی رتبہ امنیتی انجام می شود (Imtiaz, 2018: 16)۔

اختیارات روسای مناطق قبیلہ ای فدرال

سیاست انگلیسی را ج^۱ در قبال مناطق قبیلہ ای ترکیبی از فشار، رشوہ و مداخلہ مسلحانہ بود (Rakisits, 2012: 139) از این رو قوانین استعماری بریتانیا موسوم بہ قوانین جزائی سرحد با در ہم آمیختگی و بازنویسی عقاید سنتی (آداب و رسوم قبیلہ ای)، جرگہ (شورای بزرگان یا ریش سفیدان برای حل و فصل اختلافات) و پشتونوالی (متونی کہ پایہ و اساس رفتار جمعی قبیلہ پشتون ها و شیوہ زندگی است)، عمل می کند و دادگاہ عالی اختیارات خود را با کمک بزرگان قبیلہ ای محلی کہ بہ ملکان (مفرد: ملک) معروفند واگذار می کند۔

هدف سیستم جرگہ پشتون حل و فصل مناقشات و اختلافات است کہ ممکن است بین اعضای یک قبیلہ یا نزاع بین قبایل مختلف بوجود آید۔ با چنین سیستمی، رہبران و بزرگان قبیلہ گناہ یا بی گناہی شخص متہم بہ ارتکاب جرم را تعیین می کنند و متخلفان براساس یافته‌ها و توصیه‌های ریش سفیدان مجازات می شوند۔ حکم جرگہ متفق القول و لازم الاجرا است (Sarfraz Khan, 2010, 69)۔ بزرگان قبیلہ بازیگران اصلی سیستم جرگہ شوراهای قبیلہ ای، حل اختلافات و تصمیم گیری در مورد سایر امور مهم هستند۔ بزرگان قبیلہ نفوذ و اختیارات خود را از طریق انتخاب درون قبیلہ ای کہ بیشتر بہ صورت ارثی است دریافت می کنند، البتہ قانون اولویت نیز اعمال می شود۔ با این وجود، در صورتیکہ بزرگان در اجرای دستورالعمل های دولت ناکام باشند، وضعیت رسمی، امتیازات و مزایای اعطا شدہ توسط فرمانداران (بہ عنوان مجری دستورات رئیس جمہور در مناطق قبیلہ ای) را می توانند از دست بدهند۔

¹- British Raj

سیستم جرگه یک مکانیزم حل اختلاف است که به مدت چندین دهه در مناطق قبیله ای به عنوان یک نهاد قضایی عادی عمل می کند. اگرچه جوانان می توانند در جرگه ها شرکت کنند، اما فقط بزرگان تصمیم می گیرند که اختلاف نظر داشته باشند یا موضوعات مهم را تعیین کنند. در یک جرگه منصفانه و آزاد، اکثر تصمیمات با توجه به اجماع اعضای جرگه با توجه به سنت های محلی-عرفی صورت می گیرد البته غالباً در چنین تصمیماتی شریعت اسلامی نیز مورد استناد قرار می گیرد.

سیستم جرگه به دلیل ترکیب کاملاً مردانه و بدون مشارکت زنان مورد انتقاد قرار گرفته است. بی شک زنان قربانیان اصلی سنت های قبیله ای مردسالار در این مناطق بوده اند. به عنوان مثال، سنت سواره با زنان به عنوان ابزاری برای پایان دادن به اختلاف رفتار می کند. از این رو بین دو خانواده یا قبیله دختران به عنوان وسیله ای برای حل و فصل اختلاف طولانی مدت یا به عنوان غرامت در مقابل کشتن مردی از طایفه دیگر مجبورند با مردان پیرتر ازدواج کنند. از سوی دیگر قتل ناموسی یکی دیگر از جنایات غیرانسانی علیه زنان در این مناطق به شمار می آید. از آنجا که زنان مجاز به شرکت در جرگه نیستند، پس نمی توانند در مقابل اتهامات یک جرگه قبیله سنتی بچنگند و از خود دفاع نمایند و در نتیجه بیشتر آنها مجازات می شوند. با این وجود، تعداد زیادی از افراد تحصیل کرده قبایل به این شیوه معترض هستند و چنین روشهای سنتی برای حل اختلاف با روشهای مدرن توزیع عدالت سازگار نمی دانند، چراکه معتقدند حل مناقشه و منازعه هم به سیستم قضایی آزاد و عادلانه و هم به داوران بی طرف نیاز دارد. بر اساس یک نظرسنجی میدانی بسیاری از جوانان ساکن مناطق قبیله ای شکایت دارند که تصمیمات جرگه عادلانه نیست و بیشتر تحت تأثیر حزب قوی تر قرار می گیرد (Sarfaraz Khan, Samina, 2009).

چالش های امنیتی در مناطق قبیله ای

از زمان حمله آمریکا به افغانستان، مناطق قبیله ای به عنوان منطقه شورشیان در نظر گرفته می شود. این منطقه همچنین برای نواحی پیرامونی خود فضای امنیتی خطرناکی بوجود آورده و پاکستان را با مشکلات بسیاری مواجه کرد. شورشیان از مناطق قبیله ای به عنوان پناهگاه امن، آموزش و استخدام تروریست ها استفاده می کنند (Mehsud, 2017). پس از سال ۲۰۰۱م، منطقه قبایلی به پناهگاه صدها تروریست وابسته به القاعده تبدیل شد که پس از آغاز جنگ علیه رژیم طالبان در پی حملات ۱۱ سپتامبر، به مناطق قبیله ای پاکستان که موقعیت کوهستانی داشت، گریختند. پاکستان در ابتدا با امضای قرارداد صلح با ستیزه جویان محلی واکنش معتدلانه ای نشان داد، اما هیچ یک از این قراردادها به اندازه کافی دوام طولانی مدت نداشت تا صلح پایدار در منطقه را تضمین کند (Imtiaz, 2018:20).

طالبان پاکستان با تعیین یک رهبر مرکزی یا انتصاب یک امیر و سخنگوی رسمی فعالیت خود را شروع کرد و علیه دولت پاکستان اعلان جنگ نمود و ده ها حمله انتحاری در سراسر کشور با تلفات گسترده انجام داد. آمار

² Swara

و ارقام دولت غالباً شمار کشته شدگان پاکستانی را پنجاه هزار تا هشتاد هزار نفر از جمله غیرنظامیان، اعضای نیروهای امنیتی و شبه نظامیان اعلام نمود (cfr.org).

در حالی که ارتش و نیروی هوایی پاکستان ده ها عملیات نظامی را در بیشتر مناطق قبیله ای انجام می دادند، رهبری ارتش احساس می کرد بدنه ارتش تمایلی به دستیابی مراکز اصلی و پناهگاه های شبه نظامیان در وزیرستان ندارد. با این حال بخش های مختلف مناطق قبیله ای با وجود فشارهای داخلی و بین المللی برای انجام این کار، نیاز به افتتاح یک جبهه جدید جنگی داشت. ژنرال عطار عباس سخنگوی وقت ارتش پاکستان معتقد است، عدم تمایل ارتش به این دلیل بود که شبه نظامیان در وزیرستان شمالی می توانستند افراط گرایان را آموزش و تقویت نمایند و از این فرصت استفاده کنند تا تعداد آنها را افزایش و به خوبی آنها را تجهیز نمایند. بی شک زمان بندی ارتش هزینه های سنگینی را بر کشور، مردم، دولت و نیروهای مسلح تحمیل کرد. در ژوئن سال ۲۰۱۴م، نیروهای مسلح پاکستان حمله مشترک نظامی «ضرب غضب» را علیه گروه های مختلف شبه نظامی که در پناهگاه های وزیرستان شمالی مخفی شدند، آغاز کردند. در پی این حمله بود که در دسامبر ۲۰۱۴م جنبش طالبان پاکستان به مدرسه نظامی ارتش پیشاور یورش بردند و بیش از ۱۳۲ دانشجو و نه کارمند کشته و صد مجروح بر جا گذاشتند. مدتی کوتاه پس از حمله، پاکستان از استراتژی جاه طلبی ضد تروریسم موسوم به برنامه اقدام ملی خبر داد که شامل تعهداتی برای ادغام مناطق قبیله ای نیز می شد. در آن زمان ارتش پاکستان ادعا کرد که بسیاری از مناطق نواحی قبیله ای را از شبه نظامیان مسلح پاک کرده است.

مناطق قبیله ای برای شبه نظامیان محلی پاکستانی عموماً جنبش طالبان پاکستان و شبه نظامیان غیر بومی و خارجی نظیر افغان ها، عرب ها، ازبک ها، چچن ها و ایغورها پناهگاه امن بوجود آورده است. بر این اساس کنترل و از بین بردن این کانون تروریست پرور از اهمیت حیاتی برای صلح و امنیت پاکستان و ثبات منطقه ای و منافع جهانی شرق و غرب برخوردار است. در حالی که عملیات نظامی ارتش در مناطق قبیله ای عملکردی ضعیف دارد، برخی از بزرگان قبایل به طالبان ستیزه جو کمک می کنند و محلی امن را برای آنان فراهم می سازند. بسیاری از پشتون های ساکن در مناطق قبیله ای که در دهه ۱۹۹۰م و در طول حمله ایالات متحده امریکا به افغانستان برای القاعده و طالبان جنگیدند اکنون میزبان گروه های شبه نظامی هستند که به مناطق قبیله ای پاکستان پناه آوردند. آنها خانه های امن، غذا و پشتیبانی لجستیکی را برای میهمانان خود فراهم می نمایند. با این حال عملیات نظامی منجر به خسارات سنگین برای ارتش شد اما نتوانست فعالیت مرزی را متوقف کند و گروه های شبه نظامی تروریستی را از بین ببرد (Gunaratna, Nielsen, 2008:781). با این حال هجوم ارتش در مناطق قبیله ای این تصور را برای شبه نظامیان بوجود آورد مبنی بر اینکه پاکستان مجری سیاست های استعماری ایالات متحده امریکا است (Tankel, 2014:55).

از آغاز تابستان سال ۲۰۱۴م و به دنبال عملیات نظامی در استان های وزیرستان شمالی و جنوبی مقامات نظامی پاکستان ادعا می کنند بازوهای جریانات ستیزه جویی را شکسته اند. اکنون بسیاری از کارشناسان بر این باورند

¹- Operation Zarb-e-Azb

که چالش در مناطق قبیله ای این است که دستاوردهای این عملیات نظامی را مستحکم کنند و منطقه فدرال قبیله ای را از تجدید حیات طالبان دور نگه دارند و این مهم نیاز به یک سرمایه گذاری فعال در زیرساخت های سیاسی، اداری و اقتصادی منطقه و ادغام مناطق قبیله ای در استانهای اصلی پاکستان دارد. برای جلوگیری از بی ثباتی و ناامنی در مناطق قبیله ای در اوایل مارس ۲۰۱۷م نواز شریف نخست وزیر وقت پاکستان برای ادغام مناطق قبیله ای با استان پختونخوا یک سری اصلاحات را تصویب کرد که به دلیل تردید در امکان سنجی و فقدان درآمد و پایداری تا حدودی نادیده گرفته شد (Anis, 2016).

بحران امنیتی با اجرای کریدور اقتصادی چین-پاکستان

قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای نگرانی شدید از تهدیدات ناشی از مناطق قبیله ای که شبه نظامیان از آنجا به عنوان پناهگاه امن استفاده می کنند، دارند، چراکه طرح های اقتصادی شان به شدت به ثبات در مناطق قبیله ای بستگی دارد. یکی از بزرگترین این طرح ها پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان است (نقشه شماره ۴) که توسط شبه نظامیان مناطق قبیله ای به شدت آسیب پذیر می شود. نگرانی چین بیشتر به منافع اقتصادی این کشور در ارتباط با پروژه کریدور و سهم میلیاردی پاکستان از آن مرتبط است، از این رو چنین مسیر اقتصادی بسیار وابسته به صلح و امنیت می باشد. ضمن اینکه چین ناراحتی خود را نسبت به حضور و نفوذ ستیزه جویان اویغور در مناطق قبیله ای ابراز داشته است (Lin, 2012).

کریدور چین - پاکستان بخش مهمی از طرح یک کمربند-یک راه است که پکن آن را جاده ابریشم قرن بیست و یکم برای اتصال آسیا، آفریقا و اروپا می داند و برای هر دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. پاکستان برای رفع مشکلات اقتصادی، توسعه اجتماعی و انرژی خود به آن نیاز دارد، چین هم به این کشور نیاز دارد تا نفوذ خود را بر اساس جاده ابریشم گسترش دهد و حضور جهانی خود را تثبیت کند و مسیرهای تأمین کالاهای تجاری و تجارت در آینده را تأمین نماید. با این حال، این موضوع به عنوان بخشی از سیاست به سوی جهان^۳ توسط چین ساخته شده و پاکستان یکی از ذینفعان رویای چینی خواهد بود (Ramay, 2017:5).

¹⁻ China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

¹⁻ One Belt One Road

²⁻ Go Global 2001



نقشه شماره (۴)

از سوی دیگر با وجود اختلافات آمریکا و پاکستان در مورد موضوعاتی چون صلح با هند، برنامه هسته ای و ضد تروریسم، منافع ایالات متحده آمریکا بر روابط پایدار افغانستان و روابط صلح آمیز هند و پاکستان که برای رونق اقتصادی پاکستان مهم است، متمرکز است. با این حال ثبات منطقه ای مدنظر ایالات متحده آمریکا و رقابت استراتژیک چین با ایالات متحده آمریکا چالشی در ثبات منطقه ای و رونق اقتصادی آسیای جنوبی بوجود آورده است.

از دیدگاه کارشناسان غربی با توجه به موضوع سرمایه گذاری در پاکستان، به نظر می رسد ایالات متحده آمریکا هر ابتکاری را که می تواند برای مهار افراط گرایی در این کشور بکار گیرد و هم زمان نگرانی های ترانزیت انرژی خود را نیز دنبال نماید. با این حال در سنت رئال پولیتیک ایالات متحده آمریکا از نظر تاریخی نسبت به چین از دیدگاه او توسعه طلب در آسیا محتاط بوده که از نظر اقتصادی و نظامی به عنوان رقیب جهانی تلقی می شود. با وجود اصطکاک های موجود با پاکستان و چین، این دیدگاه اهمیت دارد که این یک سرمایه گذاری مهم است که می تواند فرصت های بیشتری برای ادغام منطقه ای ایجاد کند. کریدور چین-پاکستان، باید بتواند به پاکستان تضمین توسعه اقتصادی بیشتری دهد، این مسئله می تواند به شدت در خدمت منافع ایالات متحده آمریکا هم عمل نماید. با این حال از نگرانی ها ایالات متحده آمریکا در مورد توانایی چین در تکمیل طیف گسترده ای از این پروژه ها و این که چنین سرمایه گذاری ها چه تأثیری در جلوگیری از افراط گرایی بگذارد مهم است. از این رو، نظرات ایالات متحده آمریکا در مورد کریدور می تواند مخلوطی از بدبینی و خوش بینی مبتنی بر استراتژی یک کمربند-یک راه چین و نقش پاکستان در مهار افراط گرایی در منطقه تلقی شود.

از سوی دیگر هند به عنوان بازیگر اصلی منطقه ای در آسیا و یک اقتصاد بزرگ منطقه ای-جهانی با توجه به نزدیکی جغرافیایی این کشور با پاکستان و چین، چالش های مستقیمی در کریدور پاکستان-چین دارد. هند قبلاً نارضایتی خود را از این پروژه به چین منتقل کرده است. هند به شدت با کریدور چین-پاکستان در منطقه گلگت و بالتستان مخالف است زیرا آن را یک منطقه مورد اختلاف می داند. برخی از نکات برجسته نگرانی

حضور احتمالی سربازان چینی در آنچه هند آنرا قلمرو غیرقانونی اشغالی می داند، می باشد. از دلایل دیگر این نگرانی این واقعیت است که توسعه کریدور می تواند دسترسی و ارتباط بهتری به فعالیت تروریستی گروه های بنیادگرا مخالف هند بدهد تا علیه این کشور دست به تنش و درگیری بزنند، مانند لشکر طیبه که در پنجاب حضور دارند، یکی از اصلی ترین مناطق که از طریق آن کریدور عبور می کند. دیدگاه ایالات متحده امریکا و هند در مورد یک کمر بند -یک راه، از شک و تردید آشکار تا خوش بینی است. شک و تردید به توانایی چین در تحویل ۴۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری پیشنهادی خود و همچنین سابقه پاکستان در بازپرداخت وام های اعطایی مدنظر است.

همچنین باید در نظر داشت که توافقنامه تجارت و ترانزیت هند که با افغانستان و ایران منعقد شده بدان معنی است که برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی به پاکستان وابستگی کمتری خواهد داشت، یعنی اینکه دهلی نو برای مسیر دسترسی به این بازارها جایگزین دیگری خواهد داشت. به غیر از بخش هایی از جامعه تجاری در هند و لابی هایی از پنجاب و راجستان، هیچ نیروی واقعی وجود ندارد که بر روابط اقتصادی بین هند و پاکستان فشار وارد کند. در چنین شرایطی، حداقل در کوتاه مدت، روابط زیادی میان هند و پاکستان وجود ندارد و هیچ انگیزه واقعی برای هند در بخشی از این کریدور متصور نیست، ضمن اینکه از نظر ظاهری، کریدور پتانسیل بسیار خوبی برای ارتقاء ارتباط منطقه ای دارد زیرا در ابتکار عمل یک کمر بند - یک راه قرار می گیرد (Rifaat, Singh, 2016).

ثبات فعالیت اقتصادی در مناطق قبیله ای می تواند به تجارت دو جانبه و حقوقی با شهرهای افغانستان در آن سوی مرز کمک کند و افزایش فعالیت های تجاری ممکن است به سوء ظن و درگیری بین دو کشور پایان داده و به ثبات و رونق اقتصادی در منطقه منجر شود. مهمتر از همه، پاکستان مجبور است خودش معضلات مناطق قبیله ای را حل کند. اگرچه تلاشهای هم از طرف ایالات متحده امریکا و متحدان آن صورت گیرد اما نخواهند توانست این مسئله را حل کنند مگر اینکه پاکستان تصمیمات سختی برای اجرای مراحل اصلاحات در مناطق قبیله ای را آغاز نماید (Guramani, 2017).

تحلیل و نتیجه گیری

بر اساس یافته های تحقیق، مناطق قبیله ای به دلیل نهادینه شدن فرهنگ سنتی اسلامی و دور نگه داشته شدن عمدی از مواهب دنیای مدرن، همکاری امنیتی دو جانبه و چند جانبه را در جهت تامین مالی گروههای رادیکالیست اسلامی از طریق تجارت مواد مخدر و اسلحه در دو سوی مرز پاکستان و افغانستان با دستگاههای اطلاعاتی برخی از قدرتهای منطقه ای و غرب دارند. از سوی دیگر مناطق قبیله ای پاکستان پیوند تاریخی با همسایگان خود دارند و به نوعی عقبه فرهنگی آنان محسوب می شوند و در یک قلمرو تمدنی قرار می گیرند، از این رو اجرا و کنترل هر طرح استراتژی امنیتی بر علیه هریک از همسایگان پاکستان باعث تحرکات جدی در حوزه تروریسم در دیگر مناطق خواهد شد، چراکه سیستم استعماری در طی سالها توانست با بهره مندی از

ضمانت‌های امنیتی که عناصر نفوذی فعال برای اجرا سیاست‌های انحصارطلبانه در اختیارشان قرار داده بودند خلاء های امنیتی مناطق قبیله ای را با استفاده از رادیکالیسم اسلامی پر نماید.

موقعیت مناسب جغرافیایی در کنار وسعت خاک و وضعیت توپوگرافی همراه با بحران‌های قومی در مناطق قبیله ای امکان عملیات نامنظم را برای نیروهای رادیکالی فراهم می سازد تا طرح های مدنظرشان را برای فعالیت های عموماً مخرب منطقه ای - فرامنطقه ای تقویت کنند. از این رو تهدیدات از ناحیه مناطق قبیله ای پاکستان سختی های زیادی را پیش روی منافع اقتصادی - تجاری منطقه جنوب آسیا و خاورمیانه بزرگ می گذارد؛ در مقابل قدرتهای ذی نفع هنوز آمادگی برای مواجهه نظامی با آنان را ندارند و نیاز است که کماکان این منطقه با تمامی موقعیت فعلی اش حفظ شود تا به عنوان صحنه عملیاتی موثر برای آنان اهداف اقتصادی - تجاری غرب عمل نمایند. بنابراین هر طرحی که خارج از چارچوب منافع قدرتهای صنعتی غرب برای حل مناقشات منشعب از مناطق قبیله ای دیکته شود نخواهد توانست به گسترش صلح و ثبات در این منطقه حساس کمک کند و محکوم به شکست است.

البته موقعیت کاتالیزور پاکستان به عنوان مسیر استراتژیک برای اجرای طرح یک کمربند - یک راه چین شرایط را برای حضور قدرتهای صنعتی را برای ایجاد رقابت یا همکاری مساعد می کند، بدین ترتیب رقابای اقتصادی در این منطقه تلاش می کنند برای ایجاد کانون بحران را در مرزهای شمال غربی و مناطق قبیله ای یک تهدید دائمی برای یکدیگر بوجود آورند و از کلیه پتانسیل ها و امکانات انسانی مناطق قبیله ای برای ضربه زدن به منافع هم استفاده می کنند. بدین ترتیب تمامی گروه های رادیکالی چه در پاکستان و افغانستان و دیگر نقاط جهان در فضای مناطق قبیله ای موجودیت می یابند و از آنجا افکار خود را با دیگر گروه های افراطی هماهنگ می سازند.

تعقیب منافع اقتصادی بلندمدت قدرتهای فرامنطقه ای در عبور از مناطق قبیله ای بر پایه دیپلماسی نظامی و بازسازی و تقویت حضور نظامی برای استقرار سیستم های موشکی و به حاشیه کشاندن موقعیت برتر قدرتهای منطقه ای قرار دارد. از آنجایی که قدرتهای صنعتی در شرق و جنوب شرق و شمال شرق آسیا علاقمند به گسترش فعالیتها و رقابت های اقتصادی - تجاری در فراسوی مرزهای خود هستند، سعی در توسعه ثبات و امنیت در مسیرهای اقتصادی دارند و هدف استراتژی امنیتی آنان این است تا کانون های ترویج خشونت سازمان دهی شده در مناطق قبیله ای پاکستان را در موقعیت همکاری و رقابت قرار دهند.

البته موانع سیاسی که از مناطق قبیله ای شکل می گیرد در مقابل تجارت، مهمترین عامل حضور قدرتهای فرامنطقه ای در بروز کشمکش ها و مناقشات سیاسی و تهدیدات هسته ای و روابط تجاری منطقه ای می باشد. از این رو ایدئولوژی حاکم بر مناطق قبیله ای در مواقعی به صورت متجاوزی عمل می کنند که می تواند نسخه قدرتهای صنعتی که همانا ایجاد هرج و مرج است را علیه رقبا اجرا نماید. از این رو نتیجه گیری می شود هدف همه درگیری ها و بحران های برخاسته از مناطق قبیله ای در مرز مشترک پاکستان و افغانستان، یک عامل اقتصادی و رسیدن به هژمون تجاری - اقتصادی در سطح بین الملل به نفع قدرتهای صنعتی است.

منابع

- علی پور، عباس؛ سیاح، محسن(۱۳۹۵)، بحران ژئوپلیتیکی افراط گرایی در پاکستان و پیامدهای آن در جهان اسلام، مجموعه مقالات همایش بحرانهای ژئوپلیتیکی جهان اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۴ و ۲۵ آبان.
- شفیع نوذر؛ محمودی، زهرا(۱۳۹۱)، واکاوی دلایل اهمیت پاکستان در جنگ علیه تروریسم، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸.
- -Ashutosh Mishra(2012), *Pakistan's triadic politics and chronic political instability: is democracy the panacea?" in Pakistan's Stability Paradox: Domestic, Regional and International Dimensions, eds, Ashutosh Misra and Michael E. Clarke(Routledge, 2012),p: 2. <https://research-repository.griffith.edu.au/handle/10072/46241>*
- -Ali, Imtiaz(2007), *Pakistan Truce Appears Defunct, Washington Post, July 16, www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2007/07/15/AR2007071500396.html.*
- -Aziz,Khalid(2015),*Drivers of radicalism and extremism in Pakistan, pp1-35, <https://library.fes.de/pdf-files/bueros/pakistan/12144.pdf>*
- -Anis, Muhammad (2016), *FATA Not to Become a Province," News (Islamabad), September 10, www.thenews.com.pk/print/149248-Fata-not-to-become-a-separate-province+com%2FwEr.*
- -Firdous,Iftikhar(2017), *How Ready Is KP for Merger with FATA?, Express Tribune, March 3, <https://tribune.com.pk/story/1344538/analysis-ready-k-p-merger/>.*
- -Gunaratna , Rohan , Anders Nielsen(2008), *Al Qaeda in the Tribal Areas of Pakistan and Beyond, Studies in Conflict and Terrorism 31, no. 9 .P. 775-807, <https://doi.org/10.1080/10576100802291568>*
- -Guramani, Nadir(2017), *Army Wants to Mainstream FATA before Its Merger with KP, Says SAFRON Minister, Dawn, July 20, 2017, www.dawn.com/news/1346529.*
- -Hasanat, Syed Farooq(2011), *Global Security Watch: Pakistan (New York: Praeger, 2011), p.148. <https://products.abc-clio.com/abc-clio/corporate/product.aspx?pc=C8255C>*

- **-Imtiaz Ali(2018), Mainstreaming Pakistan's Federally Administered Tribal Areas, Washington Post, July 16,pp1-20, <https://www.usip.org/sites/default/files/2018-03/sr-421-mainstreaming-pakistan-federally-administered-tribal-areas.pdf>**
- **-Jhagra, Governor(2017), Govt Serious about Implementation of FATA Reforms, Pakistan Today, December 14, https://watermark.silverchair.com/as_2019_59_3_521.pdf?t**
- **-Kurosaki, Takashi , Humayun Khan (2011),Floods, Relief Aid and Household Resilience in Rural Pakistan Findings from a Pilot Survey in Khyber Pakhtunkhwa'. The Review of Agrarian Studies 1(2): 79-107.**
- **-Kolsky,Elizabeth(2020), No Signs of Weakness: Gendered violence and masculine authority on the North-West Frontier of British India, Journal : Modern Asian Studies, Published online by Cambridge University Press: 25 June 2020, pp. 1-36, <https://www.cambridge.org/core/journals/modern-asian-studies/article/abs/617792969273E2C9B956994816368F9A>**
- **-Kurosaki,Takashi , Humayun Khan (2011),Floods, Relief Aid and Household Resilience in Rural Pakistan Findings from a Pilot Survey in Khyber Pakhtunkhwa. The Review of Agrarian Studies 1(2): 79-107.**
- **-Lal,Zaman, Sadaf Mansoor, Arab Naz(2016), FATA Reforms: Community Perception And Identification Of Constraints In Implementation, Pakistan Journal of Society, Education and Language PJSEL 2 (1) ISSN 2521-8123, <https://www.researchgate.net/publication/320490934>**
- **-Lin,Christina(2012),How Pakistan's Unstable Tribal Areas Threaten China's Core Interests, Washington, DC: Jamestown Foundation, www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews%5Btt_news%5D=38856.**
- **-Mehsud,Gohar(2017),Fast on FATA, News & Analysis, March 03-09, 2017 Vol. XXIX, No. 04,www.thefridaytimes.com/tft/fast-on-fata/.**
- **-Muhammad Anis,Muhammad(2016), FATA Not to Become a Province," News (Islamabad), September 10, www.thenews.com.pk/print/149248-Fata-not-to-become-a-separate-province+com%2FcwEr.**

- **-Noor ,Akbar(2010), *Women Rights in FATA Pakistan:: A Critical Review of NGOs' Communication Strategies for Projects? Implementation Paperback – August 20, 2010*,<https://www.amazon.com/Women-Rights-FATA-Pakistan-Implementation/dp/3838396359>**
- **-Rakisits, Claude(2012), *The evolution of the Pakistan's Taliban,*” in *Pakistan's Stability,Paradox: Domestic, Regional and International Dimensions*, eds, Ashutosh Misra,and Michael E. Clarke, pp.137-152. See discussions, stats, and author profiles for this publication at:
<https://www.researchgate.net/publication/305354135>**
- **-Rifaat Hamzah & Tridivesh Singh Maini (2016), *The China-Pakistan Economic Corridor, Strategic Rationales, External Perspectives, and Challenges to Effective Implementation*,
<https://www.stimson.org/wp-content/files/file-attachments/The%20China-Pakistan%20Economic%20Corridor%20-%20Final.pdf>.**
- **-Rashid,Ahmed(2010), *Militant Islam, Oil and Fundamentalism in Central Asia*,**
- **CT: Yale University Press, p. 93.
<https://yalebooks.yale.edu/book/9780300163681/taliban>**
- **-Ramay, Shakeel Ahmad(2017), *China Pakistan Economic Corridor*,p.1-8, <https://think-asia.org/bitstream/handle/11540/6694/ChinaPakistan.pdf?sequence=1>**
- **-Shah,Kriti. M(2018), *Too little, too late: The mainstreaming of Pakistan's tribal regions*,
<https://www.orfonline.org/research/41968-too-little-too-late-the-mainstreaming-of-pakistans-tribal-regions/>**
- **-Sumbal,Naveed(2018), *The importance of educating girls in the Newly Merged Districts of Khyber Pakhtunkhwa, Pakistan*, Echidna Global Scholars Program,Policy Paper, Noveber,p.1-24,
<https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED592792.pdf>**
- **-Sarfaraz Khan and Samina(2009), *Patriarchal Social and Administrative Practices in Federally Administered Tribal Areas (FATA), Pakistan: A Case for Gender Inclusive Reforms,*” Area Study Center, Peshawar University, www.asc-centralasia.edu.pk/Issue_65/02_Patriarchal_Social_and_Administrative.html.**

- -Sarfaraz Khan(2010), *Special Status of Tribal Areas (FATA): An Artificial Imperial Construct Bleeding Asia*, Area Studies Center at the University of Peshawar, Pakistan.p. 63-74, [/hdl.handle.net/2115/50844](http://hdl.handle.net/2115/50844)
- -Tankel, Stephen(2014), *Beyond FATA: Exploring the Punjabi Militant Threat to Pakistan, Terrorism and Political Violence*, no. 28 (2014): p. 49-71, <https://doi.org/10.1080/09546553.2013.879056>
- -Ullah, Altaf (2013), *Federally Administered Areas (FATA) of Pakistan: Study of specialmodel of Governance. Pakistan Journal of History and Culture*, Vol. XXXIV, No.2, 65-94. [http://www.nihcr.edu.pk/Downloads/Dr%20Altaf%20sb/5.%20Federally%20Administered%20Tribal%20Areas%20\(FATA\)%20of%20Pakistan%20\(1947-2013\)%20Study%20of%20a%20Special%20Model%20of%20Governance.pdf](http://www.nihcr.edu.pk/Downloads/Dr%20Altaf%20sb/5.%20Federally%20Administered%20Tribal%20Areas%20(FATA)%20of%20Pakistan%20(1947-2013)%20Study%20of%20a%20Special%20Model%20of%20Governance.pdf)
- -Umair Jamal(2018), *Understanding the Realpolitik Behind Pakistan's FATA-KPMerger*, *The Diplomat*, 30 May 2018, <https://thediplomat.com/2018/05/>
- -Zulfqar, Saman (2012), *Politics of new provinces in Pakistan: Prospects and Challenges*, *Islamabad Policy Reseach Journal*, Vol. XII(2), Pp. 146-152. <https://www.ipripak.org/wp-content/uploads/2014/01/std5sams12.pdf>
- -Zulfiqar Ali(2017), *FATA: In a Black Box*, Dawn, January 29, www.dawn.com/news/1198967.
- 152-
- -80,000 Pakistanis Killed in US 'War on Terror': Report," *Express Tribune*, March 29, 2015, https://www.cfr.org/timeline/us-war-afghanistan?gclid=CjwKCAiAjeSABhAPEiwAqfxURXhrNPDPmYBWLVE0FGM1eru9T2kwgiZeuhMwwnoe48pinJmeu8CX5hoCO2sQAvD_BwE
- -[https://wikitravel.org/en/Federally Administered Tribal Areas](https://wikitravel.org/en/Federally_Administered_Tribal_Areas)
- -<https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/fdma-cash-assistance,impact,assessment-0.pdf>